



دیگرخواهی رمز خوشبختی در زندگی / رمز خود دوستی تا کجاست

ساختار هستی نشان می دهد که همه موجودات به خاطر انسان آفریده شده اند، از این رو باور اینکه انسانها به فکر یکدیگر نباشند و همانند حیوانات درنده، تنها اسیر ارضای تمایلات فردی خود باشند سخت و غیر ممکن است.

ساختار هستی نشان می دهد که همه موجودات به خاطر انسان آفریده شده اند، از این رو باور اینکه انسانها به فکر یکدیگر نباشند و همانند حیوانات درنده، تنها اسیر ارضای تمایلات فردی خود باشند سخت و غیر ممکن است.

به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از تمایلات اصیلی که در انسان وجود دارد، حس خود دوستی است. این انگیزه طبیعی نخستین قانونی است که هریک از افراد بشر بالفطره از آن پیروی می کنند و اگر این حس در انسان وجود نداشت زندگی فرد استمرار نمی یافت و پیشرفت و تحول پیدا نمی کرد. ناگفته نماند این حس تا زمانی که به صورت افراطی در نیاید، برای ادامه زندگی ضرورت دارد.

بررسی ها نشان می دهد که نوع برخوردها و تصادمات خانوادگی و اجتماعی در اثر انحراف این حس به وجود می آید. عده ای هدفشان این است که فقط خودشان زندگی کنند بدون اینکه به حیات و زندگی دیگران توجهی داشته باشند. این عده این نکته را فراموش کرده اند که از راه خودخواهی هرگز نمی توان به خوشبختی دست یافت، زیرا سعادت ما مربوط به خوشبختی ماست. بنابراین ابتدا باید برای خوشبختی دیگران کار کنیم و مطمئن باشیم که خوشبختی خودمان نیز تامین خواهد شد.

یکی از دانشمندان اخلاق می گوید: اگر می خواهی از زندگی بهره مند شوی، باید در درجه اول به زندگی دیگران خدمت کنی و این وقتی حاصل می شود که همه افراد در وهله نخست به فکر دیگران باشند و این اولین گام برای رهایی از حس خودخواهی است.

از امام جعفر صادق (ع) نقل شده پروردگار بزرگ فرمود شایسته ترین و محبوب ترین خلق کسی است که بیشتر از همه به مردم لطف و مهر بورزد و در انجام خواسته های آنان از همه کوشا تر باشد. از این بیان می توان چنین استفاده کرد که در جمع یک خانواده بهترین و شایسته ترین فرد کسی است که از خود بیرون آمده با همه وجود در خدمت افراد خانواده باشد. به عنوان مثال، زن خانه با همه وجود باید در فکر آسایش همسرش باشد همانگونه که شوهر نیز باید درصدد تامین رفاه و آسایش زن و فرزندان خود باشد. در این گونه خانواده ها طعم و لذت زندگی به معنای واقعی چشیده می شود، خواه چنین خانواده هایی در روستا باشند یا در دل شهر و شاید یکی از علل فقدان و یا کاهش عاطفه در زندگی خانوادگی غربی از همین امر نشأت می گیرد که زن و مرد غربی هر یک به فکر خود و تفریحات خویش است.

در یک روایت آمده ایمان هر یک از شما کامل نمی شود، مگر آنگاه که برای دیگران چیزی را بخواهید که برای خود می پسندید و اگر چیزی را برای خود نمی پسندید، آن را برای دیگران نیز نپسندید. این عالی ترین دستوری است که اگر روزی در جوامع اسلامی و غیر اسلامی به آن عمل شود، درگیریه و اصطکاک ها از بین خواهد رفت.

مطالعه در طبیعت برای همه افراد سازنده و آموزنده است. موجودات طبیعی همه هستی شان به خاطر دیگران است. مثلاً، طلوع خورشید به انسانها گرمی و حرارت می بخشد تا به تلاش و کوشش بپردازند و غروبش تاریکی را به وجود می آورد تا انسانهای خسته و کوفته در آرامش آن به خواب روند. باران می بارد تا زمینها بارور گردد و زنبورهای عسل با تلاش و کوشش شیره جان خود را تقدیم انسان می کنند.

بدین ترتیب همه موجودات به خاطر انسان آفریده شده اند، پس چگونه می توان باور کرد که انسانها به فکر یکدیگر نباشند و همانند حیوانات درنده، تنها اسیر ارضای تمایلات فردی خود باشند. آیا بر این عده خودخواه می توان نام انسان گذاشت.

اعضا و جوارح طبیعی انسان نیز از این قانون بر کنار نیست، لذا هر عضوی از اعضای بدن در خدمت سایر اعضای آن می باشد؛ به عنوان نمونه باید بدانیم که تمام اکسیژن مورد احتیاج بدن را ششها تامین می کنند. مع ذلك سلولهای ریوی از اکسیژن هوای درون ششها استفاده نمی کنند، بلکه مواد غذایی و اکسیژن مورد احتیاج سلولهای دیواره شش را رگهای خونی دیگری تامین می نمایند.

یکی از روان شناسان می گوید: اولین و وظیفه ما این است که برای دیگران سودمند باشیم و به این وسیله انسانها را خوشحال و خودمان را خوشبخت می کنیم. بدبخت ترین افراد کسانی هستند که برای دیگران سودمند نیستند و خدمتی ارائه نمی دهند. وقتی سیلی راه می افتد کفهای بی فایده پس از مدت زمانی از بین می روند اما آب مفید که به درد مردم می خورد، در روی زمین باقی می ماند.

سعادت و خوشبختی زندگی خانوادگی در گرو رهایی از خودخواهیها و خودپرستی است. زن و مرد با پیمان ازدواج از دو بودن خارج می شوند و یکی می گردند. زن با همه وجودش به شوهرش محبت می کند در شدايد و دشواری ها نیز او را تنها نمی گذارد. مرد خانه نیز با همه وجود همسرش را احترام و تکریم می کند و به خاطر رفاه و آسایش او و فرزندانش خود را به آب و آتش می زند تا امکانات زندگی را فراهم آورد، هرگز یکدنده و لجباز نیست و با توافق یکدیگر به نفي و اثبات امور می پردازند. عیوب و اشتباهات یکدیگر را نادیده می گیرند و در تمام امور زندگی، در سلامت و بیماری و غنا و نداری انیس و مونس یکدیگرند و همدیگر را درك می کنند.

در نتیجه فراموش نکنیم که انسانها وقتی می توانند دیگران را درك کنند که از اسارت های نفسانی و خودخواهی بیرون آمده باشند در غیر این صورت همانطور که شاهد هستیم در بسیاری از خانواده ها زن و مرد یکدیگر را نمی فهمند. پس برای رسیدن به خوشبختی خانوادگی زن و مرد باید تمایلات دیگرخواهی خود را تقویت کنند و صادقانه به یکدیگر خدمت نمایند تا طعم زندگی را بچشند و از زندگی مشترك لذت ببرند.